

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶ / ۰۸ / ۲۹

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶ / ۱۱ / ۱۲

صفحات: ۱۰۹-۱۲۸

مقایسه اندیشه های سیاسی آیت الله سید عبد الحسین لاری و آیت الله خامنه ای در باب حکومت

محمد بیدگلی *

دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

صادق زیباکلام

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

چکیده

مقایسه میان اندیشه‌هایی که باعث ایجاد تحولات اجتماعی- سیاسی در یک جامعه می‌شوند، دارای اهمیت بسیاری است. در دو برهه از تاریخ معاصر ایران، دو اندیشه مهم وجود دارد که بر تحولات پس از خود تاثیر به‌سزایی بر جای گذاشته‌اند. این دو اندیشه عبارتند از مشروطه مشروعه و ولایت فقیه که اولی را در دوره شکل‌گیری مشروطه و دومی در دوره حاکمیت‌جمهوری اسلامی ایران پایه‌گذاری شده است. بر این اساس، این مقاله در پی مقایسه میان بخش‌های از دو اندیشه سیاسی نامبرده است. بنابراین، روش پژوهش آن، تحلیل مقایسه‌ای است و با توجه به این پرسش اصلی که در مقایسه میان اندیشه سیاسی آیت‌الله لاری و آیت‌الله خامنه‌ای چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را می‌توان یافت، به بررسی آرای آنها درباره حکومت در زمینه‌های مبانی فقهی، حدود اختیارات، نقش روحانیت، مشروعیت و مصلحت و قانون و قانون‌گذاری پرداخته است. مقاله در نتیجه کلی در مقایسه میان اندیشه سیاسی دو فقیه در عصر انقلاب مشروطه و عصر انقلاب اسلامی، به شباهت، بهره‌گیری از اسلام در چگونگی شکل حکومت اما با برداشت‌های متفاوت یعنی بقای سلطنت و اجرای احکام اسلام برای شیخ آیت‌الله لاری و تاسیس حکومت اسلامی و اجرای احکام اسلام، توجه به مشروعیت مردمی و مصلحت برای آیت‌الله خامنه‌ای رسیده است.

کلیدواژه‌ها: اندیشه‌سیاسی، مشروطه‌مشروعه، ولایت فقیه، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله سید عبد الحسین لاری.

مقدمه

انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی در ایران از رخدادهای مهم تاریخ کشور به شمار می‌روند. در هر یک از این دو پدیده، اموری چون ساختار اجتماعی، چگونگی روابط میان نیروهای اجتماعی، سطح فکر و آگاهی مردم و نظریات و اندیشه‌های روشنفکران و روحانیون، تاثیر گذارده‌اند. از سویی دیگر ریشه‌های انقلاب اسلامی را می‌توان در جنبش مشروطیت نیز جستجو کرد. انقلاب مشروطیت که بر بستری از نارضایتی‌های عمومی ناشی از استعمار خارجی و استثمار داخلی شکل گرفت، از طریق اتحاد میان روحانیت و روشنفکران به پیروزی بزرگی در مقابل سلطه حاکمه دست یافت که از نظر دستاوردها در تاریخ ایران بی‌نظیر بوده است. قداست زدایی از حکومت و به پرسش گرفتن آن که نخستین بار همراه با قیام توده‌ای رخ نمود، اولین دستاورد مشروطیت بود. تاسیس نهادهایی چون مجلس، کابینه، شکل‌گیری مطبوعات، احزاب و گروه‌های سیاسی، تدوین قانون اساسی و مدنی به منظور تنظیم روابط میان ملت با دولت و ملت با یکدیگر، برقراری نظام انتخابات که سبب مشارکت سیاسی مردم در تصمیم‌گیری‌ها و سرنوشت کشور می‌شد، همراه با دهها تغییر سیاسی دیگر، از مهمترین دستاوردهای مشروطیت بوده‌اند. (زیباکلام، ۱۳۷۹: ۳۵۱)

به اعتقاد بسیاری بخش‌هایی از نظریه ولایت فقیه، به ویژه در دوره ابتدایی آن در قبل از انقلاب اسلامی نه در دوران تکامل این اندیشه سیاسی، در نظریه مشروطه مشروعه ریشه دارد و بر این اساس این مقاله تلاش می‌نماید تا به بررسی مقایسه‌ای این دو اندیشه بپردازد و سؤال اصلی آن این است که در مقایسه میان اندیشه‌سیاسی آیت‌الله سید عبدالحسین لاری و آیت‌الله خامنه‌ای چه شباهتها و تفاوت‌هایی را می‌توان یافت؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه‌ای که به آزمون گذارده خواهد شد نیز چنین است: «با توجه به شکل‌گیری دو اندیشه ولایت‌فقیه آیت‌الله خامنه‌ای و مشروطه مشروعه آیت‌الله لاری بر پایه مبانی اسلام شیعی، شباهت‌های دو اندیشه در توجه به حاکمیت و مشروعیت‌الهی، اجرای احکام اسلام و قانون‌گذاری بر اساس آن و تقویت‌علما بوده و مهمترین تفاوت آنها در اندیشه آیت‌الله لاری، بقای سلطنت و نظارت علما بر قوانین و در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، حکومت مستقیم فقیه، دایره وسیع اختیارات فقیه، مشروعیت مردمی و توجه به مصلحت است».

روش انجام این مقاله با توجه به موضوع آن، روش مقایسه‌ای است. این روش، «راهی برای استنباط علمی توصیفی، تحلیلی یا علی، از طریق مقایسه نظام‌مند شباهت‌ها و تفاوت‌های پدیده‌های اجتماعی با یکدیگر است. به نظر مارش و استوکر، روش مقایسه‌ای به این علت ضروری است که می‌تواند با سهولت بیشتری یاری‌رسان به آزمون نظریه‌ها، بازنگری در نظریه‌ها، مفاهیم و فرضیه‌ها درباره پدیده‌های سیاسی باشد. این روش دارای چهار هدف همزمان است که یکدیگر را به صورت متقابل تقویت می‌کنند، یعنی توصیف زمینه‌ای، طبقه‌بندی، آزمون فرضیه‌ها و پیش‌بینی

تغییرات.» (منوچهری و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۵۶-۲۵۵)

به این ترتیب، هدف اصلی مقاله بازشناسی زمینه های شکل گیری و نظرات سیاسی دو فقیه در اندیشه های ایشان درباره حکومت است. از منظر نوآوری نکته نخست آن است که با آنکه آثار زیادی به طور جداگانه به اندیشه های آیت الله لاری و آیت الله خامنه ای پرداخته اند، اما توأمان به اندیشه سیاسی این دو بزرگوار نپرداخته اند، پس از این منظر، این مقاله پژوهشی نو است. نکته دوم آنکه روش این مقاله در بررسی اندیشه این دو اندیشمند اسلامی مقایسه ای است و تلاش کرده موارد اصلی مورد نظر دو فقیه را به صورت همسان و با عناوین یکسان با یکدیگر بسنجد و از این رو نیز مقاله نوآوری دارد. سازمان مقاله را مبانی نظری، تاریخچه و بخش آزمون فرضیه، تشکیل داده و در نهایت از کل مباحث نتیجه گیری خواهد شد.

مبانی نظری: اسلام سیاسی

مفهوم «اسلام سیاسی» اصطلاحی متأخر است که غالباً از سوی برخی اندیشمندان برای توصیف اوضاع و تحولات فکری و سیاسی جاری در سرزمین های اسلامی به کار می رود. اسلام سیاسی، اندیشه ای سیاسی که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار داده و در بسیاری از جوامع اسلامی تبدیل به گفتمان شده است. در این اندیشه، اسلام به محوری اصلی تبدیل می شود و باب سعید معتقد است که «اسلام سیاسی را می توان گفتمانی به حساب آورد که گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است. این نوع از اسلام گرابی، طیفی از رویدادها، از پیدایش یک ذهنیت اسلامی گرفته تا تلاشی تمام عیار برای بازسازی جامعه مطابق با اصول اسلامی را در برمی گیرد» (سعید، ۱۳۷۹: ۲۰). هدف نهایی اسلام سیاسی نیز، بازسازی جامعه بر اساس اصول اسلامی است و در این راه به دست آوردن قدرت سیاسی، مقدمه ای ضروری تلقی می شود. هواداران اسلام سیاسی، اسلام را به مثابه یک ایدئولوژی جامع در نظر می گیرند که دنیا و آخرت انسان را در بر گرفته و برای همه حوزه های زندگی دستورها و احکامی روشن دارد» (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۷).

نظریه ولایت مطلقه فقیه

به طور کلی می توان گفت در قلمرو ولایت فقیه، دو دیدگاه وجود دارد:
الف. دیدگاهی که قلمرو ولایت فقیه را بسان قلمرو حکومت پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) گسترده و تام می داند و بر این باور است که ولی فقیه در تدبیر و اداره کشور، در همه امور، حق دخالت و تصمیم گیری دارد. (مزینانی، ۱۳۷۷: ۱۷)
ب. در مقابل، شماری قلمرو اختیار ولایت فقیه و دایره نفوذ آن را اندک پنداشته اند: مال هایی که

مالکان آن ناشناخته اند، کودکان بی سرپرست و ... یعنی بر این پندارند که فقیه نمی تواند حوزه اختیار خویش را گسترده نماید، بلکه تنها در همین چند مورد ولایت دارد. (مزینانی، ۱۳۷۷: ۱۵)

بر اساس نظریه ولایت مطلقه فقیه امام خمینی (ره)، رهبری ولایی دارای یک سلسله مراتب طولی و دارای یک نظم ولایی است. در این نظریه ابتدا حاکمیت کامل و گسترده مخصوص خدای تعالی است. سپس حاکمیت از سوی خداوند به انبیاء الهی و جانشینان آنها واگذار شده است (علم الهدی، ۱۳۹۱: ۲۱۱).

از نظر آیت الله خامنه ای «ولایت یعنی اتصال فکری، روحی و عملی، ولایت خدا و ولایت ائمه دو تا نیست. ولایت ائمه با ولایت پیامبر (ص) دو چیز نیست، همه اش یک چیز است و این ولایت یعنی همان پیوند، یعنی ارتباط و اتصال دو چیز، به طوری که به آسانی آن دو چیز را نتوان از هم جدا کرد، من به عنوان یک آدمی که در زمینه مسائل اسلامی فکر می کند، وقتی که این ارتباط را میخواهم درست در فرهنگ اسلامی بفهمم، این جور استنباط می کنم که این ارتباط و این اتصال فکری، روحی و عملی است. در این سه شاخه، اگر بین ما و ائمه، بین ما و خدا، بین ما و پیامبر ارتباط برقرار شد، ولایت برقرار است.» (۱۳۶۱/۰۲/۰۷)

تاریخچه: زمینه های شکل گیری دو اندیشه سیاسی مشروطه مشروع و ولایت فقیه

۱- شکل گیری اندیشه مشروطه مشروع آیت الله لاری در انقلاب مشروطه

در ایران شکل گیری مفاهیمی همچون قانون، قانون اساسی، آزادی و مساوات به دوره برپایی انقلاب مشروطه بر می گردد (شاهسوند بغدادی، ۱۳۹۵: ۶۰). در یک بررسی اجمالی از دوره های گوناگون حکومت پادشاهان قاجار، مشخص می گردد که مذهب میان قدرت سیاسی که نهاد سلطنت نماینده آن بود و قدرت اجتماعی که نهاد روحانیت نماینده آن بود نفوذ بسیار داشت و تا پیش از ورود مناسبات دنیای جدید به ایران و قرار گرفتن آن فراروی سنت قدیم، دو نهاد حکومت و دین در غالب اوقات متحد یکدیگر محسوب می شدند. روحانیت نیز که تا آن تاریخ تنها در رابطه با مذهب به گروه های مختلف تقسیم می شدند و اختلاف آنها بر سر حقایق و تفاسیر دینی بوده است، برای نخستین بار و به یکباره پس از مشروطیت به علت غلبه استعمار و گفتمان روشنفکری با مسائل بسیار پیچیده و جدیدی مواجه گردیدند که برون دینی بوده و خود سنت و گفتمان دینی را هدف قرار داده بودند. از این رو در مواجهه با مسائل جدید و پاسخ به شبهات، روحانیت به دسته های مختلفی تقسیم گردیدند که تا زمان های بعدی نیز ادامه یافت. مشروع خواهان، مخالف استبداد و فساد هیات حاکمه بودند، منتها اصرار می نمودند که مشروطه باید مقید به مشروع شود (مقیم، ۱۳۸۵: ۴۴). مشروطه

مشروع، از لحاظ مشروطه بودن، در مقابل سلطنت مطلقه قرار دارد و از لحاظ مشروعیت بودن، امری متفاوت با مشروطه سکولار است (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۹۷). آیت الله لاری در مقرر خود در لارستان و در اجرای اهداف اسلامی، اقداماتی را به انجام رسانیده بود، نیروهای نظامی را سامان داده بود، نشان ویژه ای برای آنها در نظر گرفته بود، به چاپ و تکثیر تمبر مخصوص با عنوان «پست ملت لار» و «پست ملت اسلام» اقدام کرده بود. او در نواحی تحت سلطه خود به اجرای حدود اسلامی نیز کوشیده بود. اخذ مالیات های شرعی از اقشار مختلف مردم منطقه هم از ویژگی های خاص رفتاری وی بود. این اقدامات وی در لارستان سبب شد سید لاری را از نخستین عاملان به نظریه ولایت فقیه بدانند. هر چند این گونه رفتارهای وی مخالفان و موافقانی نیز داشت. موافقان بر این باورند که رویه وی اجرای احکام اسلامی بوده و او از نخستین افرادی است که اندیشه اسلامی را به عمل نزدیک کرده است. این اقدامات سید از دید مخالفان اما با عنوان شورش علیه دولت و تجزیه طلبی یاد شده است. منتقدان بر آنند که سید لاری با این اقدامات خود، علیه حاکمیت وقت شورش کرده و تن به قوانین مملکتی نداده است. سید جواد طباطبایی با برجسته کردن برخی ایراداتی که در اندیشه سید لاری وجود دارد، بر او نقد می کند و او را به عدم درک صحیح از مفاهیم مشروطه و قانون منتسب می کند (علیخانی، ۱۳۸۳: ۲۳۳). در جریان انقلاب مشروطیت و دست کم در برهه ای از آن فارس به عنوان مرکز ثقل سیاسی عمل می کرده و تحولات فارس و بنادر متأثر از سیاست های آیت الله سید عبد الحسین لاری بوده است. رساله «قانون مشروطه مشروع» از جمله رسائلی است که سید لاری در دفاع از مشروطه نگاشته است. مقاله یاد شده درباره اصل شورا در اسلام و فواید و مصالح مجلس شورای ملی، شرایط نمایندگان مجلس، نفی سلطه بیگانگان و استقلال کشور، اتحاد کشورهای اسلامی و ... بوده و دارای پانزده قانون کلی است.

۲- شرایط شکل گیری اندیشه ولایت فقیه آیت الله خامنه ای در انقلاب اسلامی

آیت الله خامنه ای با بیان یک نظم ولایی، ولایت و حکومت را از آن خداوند و هر آن کس که او تعیین کند، می داند. لذا ایشان نیز مانند سایر فقها، حاکمیت بر انسان را ابتدا از آن خداوند می دانند، سپس پیامبر اکرم (ص)، در مرتبه بعد ائمه (ع) و در زمان غیبت نیز فقیه عالم عادل که با بیان نشان هایی از سوی خدا تعیین شده باشد (اشرفی، ۱۳۹۵: ۳۳). ایشان می فرمایند: تنها کسی که حق تحکم دارد، خداست و چون خدا حق تحکم دارد، خدا می تواند طبق مصلحت انسان ها، این حق را به هر که بخواهد، بدهد و می دانیم که کار خدا، بیرون از مصلحت نیست، دیکتاتوری نیست، قلدری و زورگویی نیست، کار خدا طبق مصلحت انسان هاست، پس بنابراین او معین می کند، ما هم تسلیم می شویم. او معین می کند پیغمبر را، معین می کند امام را، بعد از امام معین می کند آن کسانی را

که با معیارها و ملاک های خاصی تطبیق بکنند. آن کسی که این صفت را داشته باشد، صفاتی را معین می کند، می گوید اینها بعد از ائمه (ع)، حاکم بر جامعه اسلامی هستند. پس ولی را خدا معین می کند، خودش ولی است، پیغمبرش ولی است، امام ها ولی هستند. آن کسانی که با معیارها و ملاک های خاصی تطبیق کنند و جور بیابند، آنها معین شده اند برای حکومت و خلافت (اشرفی، ۱۳۹۵: ۵۸۳). ایشان از ولی فقیه با عنوان امام یاد نموده و چگونگی انتخاب و شرایط این مقام را چنین بیان می کند:

امام یعنی پیشوا، یعنی حاکم، یعنی زمامدار، یعنی آن کسی که هر جا او برود، انسان ها دنبالش می روند، که باید از سوی خدا باشد، عادل باشد، منصف باشد، با دین باشد، با اراده باشد از این قبیل حرف هایی که در زمینه امامت هست، که حالدر آن مقام نیستیم. بدین ترتیب اصل ولایت قرآنی وجود امام را ایجاب می کند (اشرفی، ۱۳۹۵: ۵۴۵). بعد دیگر ولایت یعنی ارتباط مستحکم و نیرومند هر یک از احاد امت اسلام، در همه حال، با آن قلب امت. ارتباط فکری و عملی. یعنی درست از او سرمشق گرفتن، درست در افکار و بینش ها دنبال او بودن و درست در افعال و رفتار و فعالیت ها و حرکت ها او را پیروی کردن. (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۲: ۵۴۵)

مقایسه دو اندیشه سیاسی مشروطه مشروعه و ولایت فقیه در انقلاب های مشروطه و اسلامی

۱-مقایسه اصول و مبانی فقهی دو اندیشه سیاسی مشروطه مشروعه و ولایت فقیه

اصول و مبانی فقهی در اندیشه مشروطه مشروعه آیت الله لاری

درک مواضع فقهی آیت الله لاری و ریشه های اندیشه سیاسی مشروطه مشروعه وی، وابسته به بررسی اندیشه های سید لاری در نهضت مشروطه تا فوت وی است. او می افزاید که تمام گرفتاری ها و بیچارگی های مسلمین بلکه جهانیان به دلیل عدول از اصل اساسی اسلام، یعنی شورا می باشد. او دلیل پیروزی مسلمین بر ایران را امداد شورا و مشورت با والی ملت و امام امت و دوام سلطنت صفویه را از برکات علماء ملیه می داند. همچنین پیروزی و موفقیت سلطان عبدالمجید را بواسطه رای سدید و تلافی شدید اکید در حمایت اسلام و علمای اعلام دانسته است بر این اساس، او فوائد قانون ملی و اعمال شورا در جامعه را در موارد ذیل بر شمرده است:

-دفع بدعت تذکره مروزی (گذرنامه) و قرنطینه عبوری زوار بیت الله الحرام

-کوتاه شدن دست کفار خارجه از حکمت و تحکیم و حکومت اسلامی

-اخذ وجوهات شرعی و مالیات های اسلامی به نظر و صوابدید اهل ملت و شریعت، نه به اختیار عمال بداعمال

-وجوب الزام و التزام از عمال و ضباط و حکام، بر وجه ضمانت و غرامت و سیاست شرعی و تعدیل بین رعیت در گفتار، کردار و رفتار.

-اتحاد عموم مردم از ملیین از مخالف و موافق از خاصه و عامه و سنی و شیعه، حتی بر نسوان و صبیان در خصوص دفاع از دین.

-بر بدن دست کفار، از تصدی امور خانه از هر کار و اختیار، خصوصا از اختیار گمرکات سرحد اسلام.

-اتحاد جهان اسلام و خصوصا دولتین ایران و عثمانی.

-تشویق و تحریض نیکوکاران و مجازات و پیگیری مجرمین از هر انسان، و لو امین السلطان باشد.

-لغو کلیه قراردادهای یک طرفه که با دولت های قدرتمند بسته شده است. (آیت الهی، ۱۳۶۳ : ۱۴۱-۱۴۰)

او در پایان، ضمن برشمردن کلیه فوائد قانون ملی، همکاری با آن را از مجاهدات واجبه می داند و می گوید:

اقامه این انجمن و دخول در این چمن گلشن، از جمله مجاهدات واجبه موجه سروران امان کشور و منصور می باشد. سید لاری در بخشی از رساله خویش، ویژگی هایی را برای قانون ملی و وظایفی را برای نمایندگان مجلس و زمامداران حکومت مشروطه می شمارد که در صورت تحقق آنها، آن نظام مشروطه مشروعه خواهد بود. نخستین پایه مشروطه مشروعه، شورایی مبتنی بر شریعت و برای اجرای احکام الهی است. در این تفکر، همگان باید بر این اعتقاد باشند که تمام افعال و اعمال انسان، معلول و زاییده اراده و مشیت الهی است و از دایره مقدرات خدا خارج نیست. سید لاری، اعتبار هر نظر و شورایی را بر شورای انبیا و علمای اعلام و نواب حضرت خیر الانام و عقل عقیل مستقل امام و الامقام و قوانین شریعت مبتنی می داند و انتظارات پانزده گانه خویش را از مشروطه در قالب وصف قانون ملی بیان می کند. (آیت الهی، ۱۳۶۳ : ۱۴۱)

به رغم تفاوت مشروطه مشروعه مرحوم لاری با مشروطه موجود، وی مشروطه موجود را مورد تایید قرار داده و به صرف تفاوت آرمان با واقعیت، واقعیت را محکوم نمی کند. او با توجه به نگاه واقع گرانه خویش، در واپسین بحث خود، به تفاوت مشروطه مشروعه آرمانی خود با مشروطه موجود اشاره، و در قالب ایقاز و تنبیه مشروطه موجود را تایید می کند. از دیدگاه او جایگاه حاکم شرع را ریاست مجلس می داند و در مشروطه ای که تصویر کرده، رئیس مجلس، عملا بزرگ ترین و منحصرترین مرجع سیاسی، اداری، قضایی و قانون گذاری است و دیگران فقط حکم مشاوران وی را دارند و نه بیشتر.

اصول و مبانی فقهی اندیشه سیاسی ولایت فقیه آیت الله خامنه ای

آیت الله خامنه ای ضمن آنکه به صراحت به الهی بودن ولایت فقیه اشاره می کنند، حکومت در زمان غیبت امام (ع) را مخصوص فقیه جامع الشرایط یا به عبارتی ولی فقیه می دانند. لذا میفرمایند: در دوران غیبت کبری، هم به حسب حکم قطعی و صریح عقل و هم بر حسب ادله اسلامی و شرعی، این ولایت و این حاکمیت مخصوص است به انسان دین شناس، عادل، بصیر به اوضاع و احوال زمان، یعنی فقیه و عرض کردیم که این سلسله مراتب حکومت الهی و ولایت الهی است و در اینکه امروز شایسته ترین افراد برای حکومت، فقیه جامع الشرایط است، علی الاصول بین فرق اسلامی هیچ گونه اختلافی نیست و همه قبول دارند که در هر شرایطی، وقتی که ولی منصوب از قبل خدا نیست، آن کسی از همه شایسته تر است که به معیارهای اسلامی نزدیک تر باشد، یعنی فقیه، جامع الشرایط، عادل، عالم و مخالف با هوی نفس و بصیر به اوضاع زمان و دارای قدرت تدبیر، یعنی همان چیزی که ما در قانون اساسی جمهوری اسلامی و در نظام این جمهوری به عنوان ولایت فقیه شناختیم، (۱۳۶۶/۱۲/۲۷)

ایشان می فرمایند: در جامعه ای که مردم آن جامعه اعتقاد به خدا دارند، حکومت آن جامعه، باید حکومت مکتب باشد، یعنی مکتب اسلام و شریعت اسلامی و احکام و مقررات اسلامی باید بر زندگی مردم حکومت کند و به عنوان اجرا کننده این احکام در جامعه، آن کسی از همه مناسب تر و شایسته تر است که دارای دو صفت بارز و اصلی باشد: اول اینکه این احکام را، شریعت اسلام را، فقه اسلام را از همه بهتر بداند، تسلط و احاطه کامل به احکام الهی و قوانین الهی داشته باشد. خصوصیت دوم اینکه انسان آگاه به معارف الهی و فقه الهی، دارای قدرتی باشد که بتواند خود را از گناه، از خطای عمدی مصون بدارد، یعنی همان که در عرف فرهنگ اسلامی به آن عدالت گفته می شود. این دو خصوصیت مربوط می شود به آن کسی که در جامعه اسلامی می خواهد احکام الهی و اسلامی را اجرا کند. در قانون اساسی ما، این حکم واضح، به عنوان ولایت فقیه مجسم و بازگو شده است و نظام ولایت فقیه بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ما و بر شکل کلی جامعه ما، حاکم است، یعنی در همه گوشه و کناره های بخش های عمده این جامعه، ولایت فقیه حاضر و موثر است. (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۱: ۲۶۶-۲۶۵)

۲- مقایسه حکومت و حدود اختیارات آن در دو اندیشه سیاسی مشروطه مشروعه و ولایت فقیه

حکومت و حدود اختیارات آن در اندیشه مشروطه مشروعه آیت الله لاری

نکته شایان توجه در دیدگاه آیت الله لاری آن است که او جایگاه حاکم شرع را ریاست مجلس

میداند و در مشروطه‌ای که تصویر کرده، رئیس مجلس عملاً بزرگترین و منحصرترین مرجع سیاسی، اداری، قضایی و قانون‌گذاری است و دیگران فقط حکم مشاوران وی را دارند و نه بیشتر. با وجود این، وی مشخص نمی‌کند که به این ترتیب، جایگاه سلطان در نظام مشروطه کجاست و مشروطه‌ای که تمام قوای آن در یک جا متمرکز شده، چه کسی یا چه نهادی را مشروط و مقید می‌سازد. در پاسخ به چنین پرسشی باید گفت: جهت عملی شدن یک نظریه زمان فراوانی را باید سپری کرد تا ضمن تکامل یافتن آن نظریه، شرایط لازم برای پذیرش آن فراهم آید. نظریه آیت‌الله سید عبد الحسین لاری در باب مشروطه مشروعه، ولایت فقیه، جهاد و دفاع و شیوه های عمل او در مقابله با استعمار و استبداد نیز از این قاعده مستثنی نیست، چنان که نظریه وی درباره ولایت فقیه در چند دهه بعد با تکوین عمیق تری در اندیشه معمار انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) سامان یافت. بنابراین بعید به نظر نمی‌رسد که سید لاری از بدو امر در دستگاه اندیشه ای خویش به این نتیجه رسیده باشد که یگانه راه مبارزه موفق و ثمربخش با استبداد و جنایات و ستم های حاکمان قاجار، انحلال پدیده سلطنت و حاکمیت ولایت فقیه با همان اختیارات امام معصوم باشد، اما چون از یک سو، این نظریه در مقام عمل و اجرا هنوز عمق و پختگی لازم را نداشت و مرحوم لاری به تمام راهکارهای لازم جهت اجرای آن در جامعه اسلامی نرسیده بود و از سوی دیگر در جامعه، شرایط لازم جهت پذیرش حکومت ولی فقیه فراهم نیامده بود، سید لاری به مرتبه پایین تری از حکومت دینی که مقدر بود، یعنی حکومت مشروطه مشروعه بسنده کرده تا شرایط لازم جهت حاکمیت ولایت فقیه فراهم آید. بنابراین اگر چه سید عبد الحسین لاری جایگاه سلطنت و نسبت آن را با نهاد مجلس به روشنی معین نکرده است، اما با توجه به آن که کلمه مشروطه صفتی است که به موصوف نیاز دارد و نیز سید لاری در چند جا از رساله قانون مشروطه مشروعه به ستایش سلطان عادل و پایبند به احکام شریعت پرداخته است، می‌توان نتیجه گرفت که وی با این نقش و جایگاه مجلس و نمایندگان آن را در اداره امور کشور بسیار مهم و بلند می‌داند، وجود سلطان عادل را که شریک در عبادت خلائق باشد و در حمایت و معیت شورای ملی به احکام شریعت عمل کند، نفی نمی‌کند (وثوقی، ۱۳۸۳: ۲۱۳). نظریه ولایت فقیه دستاورد اندیشه سیاسی مکتب شیعه است. برخی از فقیهان همانند آیت الله سید عبد الحسین لاری دایره اختیارات فقیه را بسیار گسترده دانسته و به ولایت مطلقه فقیه معتقد شده اند. وی این نظریه را در رساله «ولایت الفقیه» که حواشی وی بر کتاب «مکاسب شیخ انصاری» است، ارائه کرده است. سید لاری برای اثبات ولایت فقیه می‌گوید:

از آن جهت که خداوند قدرت و سلطنت دارد، می‌توان ولایت پیامبر (ص) را اثبات کرد و فرقی بین ولایت و سلطنت خدا و پیامبر نیست، مگر آنکه سلطنت خدا استقلالی و بالاصاله است، اما سلطنت پیامبر بالطبع و استقبالی از سوی خداست. همچنین منصب امامان علیهم السلام در خلافت و ولایت فقیه، همانند پیامبر در تمام شئون سلطنت و ولایت است و فرقی بین ولایت و سلطنت پیامبر و ائمه

نیست، مگر آنکه سلطنت پیامبر بدون واسطه، ولی سلطنت امام با واسطه پیامبر است. همچنین منصب فقیه در خلافت و ولایت مطلقه، همانند امامان است در تمام موارد سلطنت و ولایت و فرقی بین سلطنت فقیه و امام نیست، مگر اینکه اولی با یک واسطه است و فقیه با دو واسطه، از این رو منصبی که پیامبر و ائمه و فقها دارند، یک منصب عام است. (لاری، ۱۳۷۷: ۵)

حکومت و حدود اختیارات آن در اندیشه سیاسی ولایت فقیه آیت الله خامنه ای

امام خمینی (ره) قلمرو حکومت اسلامی تحت ولی فقیه را بسان قلمرو حکومت پیامبر(ص) و امامان می داند و باور دارد که ولی فقیه، در تدبیر کشور در همه امور حق دخالت و تصمیم گیری دارد. بسیاری از فقیهان نیز ولایت عام فقها را پذیرفته اند و با نیابت عامه فقیه، ولایت عامه فقیه از آن یاد کرده اند. امام، اولین فقیه شیعی است که حکومت اسلامی را به کار می برد و بر تشکیل آن اصرار می ورزد. ایشان می فرماید: با عنایت به این که احکام اسلام متضمن شئون سیاسی و اجتماعی است، برای اجرای آن، تشکیل حکومت ضرورت می یابد، تشکیل حکومت اسلامی و تمهید مقدمات آن واجب است، و ولایت فقها همان ولایت پیامبر و امام در حیطه حکومت است. بنابراین سه دلیل، نگاه حداکثری به دین مستلزم نظریه ولایت فقیه در نظر امام و حتی صاحب عوائد الایام است (خمینی، ۱۳۸۸: ۳).

بر اساس دیدگاه آیت الله خامنه ای ولایت فقیه مطرح شده توسط امام خمینی (ره)، حرفی نو و بدیع در دنیاست. از نظر ایشان چیزی که در قانون اساسی و در کلمات امام و در عرف انقلاب به عنوان حکوت ولایت فقیه مطرح است، یک حرف کاملاً نو در دنیاست. البته ممکن است گفته شود ولایت فقیه یک تعبیر عربی و آخوندی و طلبگی و کتابی است، در حالی که این مفهوم بسیار نو و جدید است و معنای آن این است که ما در راس حکومت، کسی را قرار دهیم که می دانیم تخلف نخواهد کرد (۱۳۷۸/۱۱/۴). حدود و اختیارات ولی فقیه در اندیشه آیت الله خامنه ای به گستردگی حدود فقه در عرصه زندگی فردی و اجتماعی است. چرا که ایشان می فرمایند:

حدود ولایت و حاکمیت فقیه، همان حدود فقه است. تا هر جای زندگی بشر که فقه اسلامی، یعنی احکام الهی گسترده است، ولایت و حاکمیت فقیه هم تا همان جا گسترده است. چون می دانیم که فقه اسلامی، هیچ امری از امور زندگی بشر را از حکم الهی، بیرون نمی داند و همه مسائل سیاسی، اقتصادی، فردی، اجتماعی، مشمول حکم الهی است، پس حاکمیت ولی فقیه هم شامل همه امور فردی و امور اجتماعی و امور سیاسی و امور اقتصادی و امور نظامی و امور بین المللی و همه چیزهایی است که در قلمرو حکم اسلامی و شرعی است. (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۱: ۲۷۸)

۳- مقایسه نقش روحانیت و فقها در دو اندیشه سیاسی مشروطه مشروع و ولایت فقیه

نقش روحانیت و فقها در اندیشه مشروطه مشروع آیت الله لاری

آیت الله لاری، با چاپ و انتشار رسائل سیاسی خود در عصر مشروطیت، به طور عملی وارد صحنه فکری نهضت گردید. «آیات الظالمین»، اولین رساله فقهی سیاسی اوست که در سال ۱۳۱۴ هجری قمری به چاپ رسیده است (لاری، ۱۳۱۴: ۴۵). وی در این رساله، با استفاده از منابع اصیل فقهی، مبانی گرایش به ظلم را در جامعه بررسی کرده و در نهایت، سلطنت را فاقد هر گونه مشروعیت و منطبق و همسو با مصادیق ظلم دانسته است. در این رساله، او با مباحث استدلالی خود، به منظور نشان دادن عدم مشروعیت نهاد سلطنت اقدام نمود و با انتشار این کتاب، به جمع اندیشه گران اصول گرای اسلامی عصر پیوست. این رساله را باید بیانیه ای روشن و صریح از طرف او، برای عدم پذیرش مشروعیت قاجارها تلقی نمود.

کتاب فقهی سیاسی «قانون در اتحاد دولت و ملت» که در محرم سال ۱۳۲۶ هجری قمری منتشر گردید، نوشته ای در طرفداری از اساس مشروطیت و رد نظریات فقهی ضد مشروطه است. او فاصله شعار مستبدین با مشروطه خواهان را فاصله بین کفر و اسلام می داند و با تمام قوا، از اساس مشروطیت و بنیادهای آن، دفاع می کند. ولی با انتشار این رساله، در جمع متفکرین و علمای مشروطه خواه و در تقابل با مشروطه خواهان قرار گرفت. (لاری، ۱۳۱۴: ۲۵)

شرکت آیت الله لاری در مبارزات فکری و سیاسی مشروطه، با انتشار کتاب «مشروطه مشروع»، وارد دوره ای جدید شد. او در این رساله، مبانی مشروعیت مشروطه را بررسی کرده و با استدلالات فقهی، آن را برتر از سلطنت دانسته است. بررسی وی، صادقانه و عاری از هر گونه تمایلات گروهی است. این نوشته، در سال ۱۳۲۵ هجری، در شیراز منتشر شد و در دسترس عموم قرار گرفت (لاری، ۱۳۲۵: ۲۵). از دیدگاه آیت الله لاری، مقصود از اطلاق در ولایت مطلقه فقیه گستره اختیارات و تصرفات مربوط به امر حکومت و مدیریت جامعه اسلامی است، از این رو از نظر وی، فقیهان عادل در عصر غیبت در دو حوزه مسئولیت دارند:

۱- همه آن چه در مساله حکومت و پاسداری از کیان اسلام از مسئولیت های پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام به شمار می رود، فقیه عادل نیز عهده دار آنها است، مگر مواردی که با نص یا اجماع و امثال آن، استثنا شده باشد.

۲- همه اموری که در زمینه مسائل دینی و دنیایی از مومنان خواسته شده، ولی انجام آنها وظیفه فرد یا گروه معینی نیست، انجام چنین کارهایی نیز وظیفه فقیه بوده و حق تصرف، مختص به او است (لاری، ۱۳۱۴: ۲۵).

نقش روحانیت و فقها در اندیشه سیاسی ولایت فقیه آیت الله خامنه ای

آیت الله خامنه ای در اندیشه سیاسی خود، بر نقش روحانیت و فقها در حکومت تاکید داشته اند. از نظر ایشان موضوع ولایت فقیه، ولو مقداری در توسعه و تزیینش تفاوتی بین علما وجود داشته باشد، جزو واضحات فقه اسلام است (۱۳۷۸/۱۱/۴). لذا اگر حکومتی تشکیل شود و در راس آن، کسی قرار گیرد که به فرض عالم به دین است، عالم به معنویات است، خویشان دار در مقابل گناه و مطیع خداست، هیچ چیز برای بشریت از این حکومت مفیدتر، نجات بخش تر و فوری تر و ضروری تر نیست. اصل ولایت فقیه را هیچ یک از فقهای اسلام، از اول ظهور اسلام تاکنون منکر نشده است. (۱۳۷۵/۱۱/۲۵)

۴- مقایسه مشروعیت و مصلحت در دو اندیشه سیاسی مشروطه مشروعه و ولایت فقیه

مشروعیت و مصلحت در اندیشه مشروطه مشروعه آیت الله لاری

آیت الله لاری بر مبنای اندیشه اصول گرایانه مبتنی بر ظلم ستیزی خویش، در تحولات سیاسی ایران در عصر مشروطیت شرکت جست و با تحركات نظامی خویش که اولین بار با حضور فعال در شیراز و حمایت علنی و گسترده از نیروهای مشروطه خواه شکل گرفت به طور عملی، حضور خود را در دو صحنه سیاسی و نظامی نشان داد. در همان حال، او با انتشار رساله «مشروطه مشروعه» نظرات فقهی خویش را در نشان دادن مشروعیت سیستم جدید نظام مشروطیت اعلام نمود. او دلیل پیروزی مسلمین بر ایران را امداد شورا و مشورت با والی ملت و امام امت و دوام سلطنت صفویه را از برکات علما ملیه می داند. همچنین پیروزی و موفقیت سلطان عبدالمجید را به واسطه رای شدید و تلافی شدید اکید در حمایت اسلام و علمای اعلام دانسته، پیروزی ژاپان بر روسیه را از قدرت ملت آن می داند. (لاری، ۱۳۲۵: ۲)

سید با استدلالاتی کاملاً فقهی و گاه پیچیده به دفاع از بنیان های سیاسی جدید مجلس پرداخته است. او در این رساله، ضمن تایید حاکمیت مطلق خداوند بر همه هستی و این که قانون گذاری حق اوست به نوعی استحقاق بشری در پدید آوردن قوانین معترف گشته و آن را با عنوان اجماع مطرح ساخته است. استدلالاتی که در شکل کاملاً اصول گرایانه، توسط نائینی در رساله معروفش بدان اشاره رفته است. توجه سید به اهمیت شورا در اسلام، با توجه به احادیث و روایات و نیز با این استدلال که پیشرفت جوامع به دلیل اجرای اصل شورا بوده است، در نظرات دیگر مدافعین مشروطه خواهی نیز به چشم می خورد. سید با توجه به جایگاهی که شورا در اسلام داشته، مجلس ملی را به نوعی تقدیس ملی آمیخته و در واقع مخالفت با آن را مخالفت با شرع دانسته است. ابراز نظر او، ساده

و به دور از پرداخت های عمیق استدلالی است. (وثوقی، ۱۳۸۳: ۲۲۸)
در آثار سیاسی آیت الله لاری، مبانی جدید مدنی را کاملاً در حیطه شرع دانسته، ضمن تأکید بر حاکمیت شرع سعی داشته که چهره ضد ظلمی از اسلام نشان دهد.

در تمام برداشت های سید، نوعی پافشاری و تأکید خاص مشاهده می شود. احکام صادره از سوی او شامل جملاتی کوبنده و قاطع و خالی از هر گونه سازش است. تمامی واژه های انتخابی او، دارای نوعی ویژگی دینی و شرعی است. بارزترین نمونه ها را می توان در «مشروطه مشروعه»، «پست ملت اسلام»، «مجلس ملی اسلام»، «آیات الظالمین» و عناوین گوناگونی که سید جهت تمیز جمعیت خود انتخاب کرده بود، یافت. (وثوقی، ۱۳۸۳: ۲۳۰)

سید در همه آثار سیاسی خویش در نهایت به بارزترین خصیصه فکری و عملی خود یعنی مبارزه با ظلم پرداخته است. او با انتشار رسایل خود، به عنوان یکی از حامیان جدی مشروطه خواهی به جامعه سیاسی ایران شناسانده شد و از معدود رهبرانی است که با تمام توان، در جهت حفظ دستاورد های انقلاب تلاش نمود. هر چند نگرش وی به مشروطه و تبیین او از این نظام به طور کلی متفاوت از دیگر اندیشمندان عصر است. (وثوقی، ۱۳۸۳: ۲۳۲)

بنابراین، سید لاری عام بودن وظیفه برای اجرای حکومت اسلامی را در زمانی که پیامبر (ص) و امامان معصوم در میان نباشند، برای فقیه جامع الشرایط، با استدلال متقن فقهی به اثبات می رساند و بر این باور است که اجرای قوانین اسلامی در هیچ زمانی تعطیل بردار نیست و فقیه از جانب امام معصوم، نیابت و خلافت عامه دارد که زندگی جامعه اسلامی را در عصر غیبت بر اساس آموزه های اسلام و قرآن تنظیم کند (لاری، ۱۳۷۷: ۱۹). او ضابطه و معیار کلی مشروعیت قانون ملی و مجلس را در ولایت فقیه می داند و بر موانعی که در نهضت مشروطه بر سر اجرای قوانین الهی پدید آمده می تازد و اصل ولایت فقیه را ضابطه کلی و جامع علمی و عملی شرایط ملی و عامل رفع موانع دانسته، می گوید:

ضابطه کلی و جامع علمی و شرایط ملی و فقد موانع فعلی، ولایت فقیه است که از تفسیر کلام گران سنگ حضرت امام حسن عسگری علیه السلام به موازین آن پی می بریم. (لاری، ۱۳۷۷: ۱۹)

مشروعیت و مصلحت در اندیشه سیاسی ولایت فقیه آیت الله خامنه ای

در دیدگاه آیت الله خامنه ای حدود اختیارات ولایت مطلقه فقیه، دارای اختیارات گسترده ای است که می تواند بر اساس آن از اموال و امکانات فردی و عمومی جامعه در جهت مصالح عمومی جامعه بهره گیرد. لذا می فرمایند: حاکم اسلامی هر چه را که مصلحت می داند، هر مقداری را که لازم می داند، از امکانات مردم می تواند جذب کند برای مسائل عمومی مملکت. اسلامی که برای حاکم

این همه شرایط قائل شده: با اخلاق باشد، عادل باشد، کارآمد باشد، اسلام شناس باشد، بنده خدا باشد، حرام انجام ندهد، همه واجبات را انجام بدهد، این اختیارات را هم به او داده، اختیارات حاکم اسلامی یک اختیارات وسیعی است که می تواند با این اختیارات از امکانات موجود جامعه، چه امکاناتی که در اختیار عموم افراد قرار دارد، یا از اموال عمومی است، چه امکاناتی که در اختیار اشخاصی موجود دارد استفاده کند، برای مصالح عمومی جامعه. (۱۳۶۳/۱۰/۰۷)

در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای در نظریه ولایت مطلقه فقیه، اختیارات فقیه به گستردگی حدود فقه در عرصه زندگی فردی و اجتماعی است. همچنین مشروعیت قوای اجرایی و حتی تقنینی برگرفته از ولایت فقیه است. در صورت عدم تایید ولی فقیه هیچ یک از امور مشروعیت ندارند، چرا که از نظر ایشان ولایت فقیه مبنای بسیار مستحکمی دارد (۱۳۷۸/۱۱/۰۴). لذا بنا بر مبانی فقهی اسلامی و بنابر اصل ولایت فقیه، وضع قانون برای هیچ کس جایز نیست و از هیچ کس مشروع نیست، مگر ولی فقیه، یعنی در حقیقت، قانون گذاری هم اعتبارش به اتکا به ولایت فقیه است. قوه مجریه هم اعتبارش به اتکا و امضا و تنفیذ ولی فقیه است، که اگر ولی فقیه اجازه ندهد و تنفیذ نکند و امضا نکند، تمام دستگاه هایی که در مملکت مشغول کار هستند، چه قانون گذاری، چه اجرائیات، کارهایشان بدون دلیل و بدون حق است و واجب اطاعه و الزامی نیست. به خاطر ارتباط و اتصال به ولی فقیه است که اینها همه مشروعیت پیدا می کنند. در حقیقت ولایت فقیه مثل روحی است در کالبد نظام (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۱: ۲۷۶).

۵-مقایسه قانون و قانونگذاری در دو اندیشه سیاسی مشروطه مشروعه و ولایت فقیه

قانون و قانونگذاری در اندیشه مشروطه مشروعه آیت الله لاری

آیت الله لاری در راستای حمایت از مشروطه خواهان و مجلس ملی، به تالیف سومین اثر سیاسی خویش با عنوان «قانون در اتحاد دولت و ملت» دست زد. او در این اثر، از همان ابتدا به موضع گیری شدید علیه مشروعه خواهان دست زده، مخالفت آنها را افروختن آتشکده استبداد و فتنه فساد و افساد و تفریق مسلمین دانست و آنان را محارب با خدا قلمداد نمود. وی هر گونه مجلس را که فاقد حمایت از سوی مجتهد مشروطه خواه باشد، رد نموده و آن را با عنوان مسجد ضرار دانسته است. با این تعبیر، او به صورت عملی در جناح بندی های فکری وارد شد و در سلک مشروطه خواهان قرار گرفت (لاری، ۱۳۲۵: ۵۴). سید در دفاع از مبانی مشروطیت، بر خلاف رویه متفکرین دیگر که عملاً به نوعی حاکمیت عرف در مقابل شرع تن در داده و بدان معتقد شدند، هیچ گاه مبانی عرفی قوانین را که با عنوان قوانین موضوعه مطرح می باشد، مورد پذیرش قرار نداد و عملاً قانون و قانون گذاری

را به مجاری شرعی جامعه واگذار کرده است. حتی اختیار کلی امور، از قبیل بیت المال مسلمین و صرف آن را برعهده عالم جامع الشرایط می داند (لاری، ۱۳۲۵: ۵۵). سید لاری ضمن شمارش انتظاراتش از مجلس، برای عضویت در مجلس، سه شرط را لازم می داند: شرط اول آن که اعضای مجلس خود را از ناپاکی بیگانگان و هم نشینی با اشرار و کافران و مستبدان مفسد که برای اهداف پلید خود، خویشان را در مجلس ملک پاسبان (مقدس) داخل می کنند، دور نگه دارند.

شرط دوم آن که اعضای مجلس مقدس، خود را به انوار و آثار وقار و حسن صورت و سیرت اسلامی بیاریند و سجایای اخلاقی و سیمای عدالت و ایمان را کسب کنند و در گسترش موازین قسط و عدل در جامعه همت گمارند و به محکمت قرآن و احکام نبوی صلی الله علیه و آله، متعهد و پایبند باشند و با زبان و کردار و رفتار خود، ایمان خویشان را به منصف ظهور و مرحله بروز برسانند.

شرط سوم برای عضویت و ورود در کعبه مجلس محترم این است که این عمل با خلوص نیت صورت گیرد و عضو مجلس، خود را از هر گونه پلیدی و پستی های آشکار و پنهان پاک کرده باشد و از هر گونه علایق نفسانی و اغراض شخصی آزاد باشد و مهذب به اخلاق حمیده بوده و همچون محرمی که در حرم مقدس کعبه گام بر میدارد و لبیک و سعیدیک می گوید، گام در مجلس گذارد و با گذشت و جدیت، به طور کامل در کسب حق مجاهده کند و در این راه، از خدای بزرگ استمداد طلبد و راه راستی و وصول به هدایت و ارشاد و دوری از پلیدی و فساد را از خدا بخواهد و برای ورود به مجلس از امام مبین، اذن دخول بخواهد. (آیت اللهی، ۱۳۶۳: ۱۴۳-۱۴۲)

چنان که ملاحظه شد، سید لاری در جای جای این رساله بر ضرورت پایبندی مجلس و مشروطه طلبان بر حدود شرعی و استعانت از عالمان و مراجع و فقیهان تاکید می کند. این جهت از تاکیدهای وی شاید مطلوب طبع مشروطه خواهان بود، ولی گویا هیچ کسی نمی تواند وصف های مبالغه آمیز او را در باب قدر و منزلت مجلس تا حد خانه کعبه بپذیرد. درست است که سید لاری این تقدس را مشروط به اجرای احکام اسلام به مجلس می دهد، اما به هر حال، قداست کعبه را نمی توان با حرمت مجلس مقایسه کرد و یکسان دانست. می توان گفت سبک حمایت و دفاع سید لاری با سبک و سیاق و ادله سایر عالمانی که در حمایت مشروطه رساله نوشته اند، متفاوت است اما به هر حال با علم به چنین تفاوت تلقی از مشروطه، همواره از مشروطه موجود حمایت کرده و به شدت به مشروعه خواهانی که می گفتند: ما دین نبی خواهیم، مشروطه نمی خواهیم می تازد. او پس از آنکه مشروعه خواهان را به سبب باطل دانستن مشروطه موجود مورد انتقاد و ملامت قرار داده، با استدلال به آیه ۱۲۱ سوره انعام، سخنان آنان را وحی شیاطین به ایشان می خواند، به وصف و بیان شروط مشروطه مشروعه مجلس ملی اسلامی در شش فصل می پردازد. (آیت اللهی، ۱۳۶۳: ۱۴۳)

قانون و قانونگذاری در اندیشه سیاسی ولایت فقیه آیت الله خامنه ای

آیت الله خامنه ای بر اجرای دقیق و جز به جز قوانین تاکید دارد. ایشان ضمن رد خودرایی و استبداد به تابع قانون بودن ولایت مطلقه فقیه تاکید می نمایند. به عبارتی از نظر ایشان مطلقه بودن ولایت مطلقه فقیه را به معنای اختیار کامل در اجرای دقیق و جز به جز قوانین می دانند. بعضی ها خیال می کنند که این ولایت مطلقه فقیه که در قانون اساسی آمده، معنایش این است که رهبری مطلق العنان است و هر کار که دلش بخواهد، می تواند بکند، معنای ولایت مطلقه این نیست. رهبری باید مو به مو قوانین را اجرا کند و به آنها احترام بگذارد. منتها در مواردی اگر مسئولان و دست اندرکاران امور بخواهند قانونی را که معتبر است مو به مو عمل کنند، دچار مشکل می شوند. قانون بشری همین طور است. قانون اساسی راه چاره ای را باز کرده و گفته آنجایی که مسئولان امور در اجرای فلان قانون مالیاتی یا سیاست خارجی، بازرگانی، صنعتی و دانشگاهی دچار مضیقه شوند و هیچ کار نمی توانند بکنند مجلس هم همین طور نیست که امروز شما چیزی را ببرید و فردا تصویب کنند و به شما جواب دهند رهبری مرجع است. رهبری بررسی و دقت می کند و اگر احساس کرد که بناگزیب باید این کار را بکند، آن را انجام می دهد. جاهایی هم که به صورت معضل مهمم کشوری است، به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع می شود. این معنای ولایت مطلقه فقیه است، والا رهبر، رئیس جمهور، وزراء و نمایندگان، همه در مقابل قانون تسلیم اند و باید تسلیم باشند. (۱۳۸۲/۰۹/۲۶)

ایشان به منظور پاسخ به افرادی که ولایت مطلقه فقیه را با استبداد یکی می دانند، به ویژگی عادل بودن فقیه اشاره نموده و آن را در تناقض با استبداد می دانند. همچنین وجود اطلاق در ولایت مطلقه را بررسی نموده و می فرمایند: البته دشمنان، ولایت مطلقه را به معنای استبداد گرفته اند، یعنی میل فقیه عادل به صورت دلخواه. این معنا در دل خودش یک تناقض دارد: اگر عادل است، نمی تواند مستبد باشد، اگر مستبد است و بر اساس دلخواه عمل می کند، پس عادل نیست. دشمنان، این را ملتفت نمی شوند و این معنا را نمی فهمند. این نیست مسئله ولایت مطلقه که فقیه هر کار دلش خواست، بکند، یک وقت یک چیزی به نظرش رسید که باید این کار انجام بگیرد، فوراً انجام دهد، قضیه این نیست. قضیه این است که یک حالت انعطافی در دست کلیددار اصلی نظام وجود دارد که می تواند در آنجایی که لازم است، مسیر را تصحیح و اصلاح کند، بنا را ترمیم کند. (۱۳۹۰/۰۶/۱۷)

نتیجه گیری:

فرضیه اصلی مقاله این بود که «با توجه به شکل گیری دو اندیشه ولایت فقیه آیت الله خامنه ای و مشروطه مشروعه آیت الله سید عبد الحسین لاری بر پایه مبانی اسلام شیعی، شباهت های دو اندیشه در توجه به حاکمیت و مشروعیت الهی، اجرای احکام اسلام و قانون گذاری بر اساس آن و تقویت علما بوده و مهمترین تفاوت آنها در اندیشه آیت الله لاری، بقای سلطنت و نظارت علما بر قوانین و در اندیشه آیت الله خامنه ای، حکومت مستقیم فقیه، دایره وسیع اختیارات فقیه، مشروعیت مردمی و توجه به مصلحت است». در کل از مقایسه میان این دو اندیشه سیاسی می توان چنین نتیجه گرفت که شرایط ایجاد دو اندیشه سیاسی با یکدیگر متفاوت بوده است. در دوره پیش از نهضت مشروطه، که ایرانیان در خواب غفلت بودند، روشنفکران مفاهیمی چون آزادی، برابری، قانون و ... را وارد فرهنگ سیاسی کرده و به واسطه همراهی علمای برجسته و بازار، اندیشه مشروطه خواهی و انقلاب مشروطه برپا می شود اما در تدوین قانون اساسی و متمم آن، اندیشه ای رقیب با عنوان مشروطه مشروعه پدید می آید که خطر مشروطه را برای اسلام، بیش از خطر سلطنت می داند. در اندیشه سیاسی آیت الله لاری، ولایت فقیه، ولایت عام است که همه فقها بر آن باور دارند و فقها نظارت علما را بر قانون گذاری می خواهند لذا اندیشه آیت الله لاری یک اندیشه واکنشی بوده است و بدین جهت دارای برنامه عملی جامعی نیست. اما در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای، دایره شمولیت ولایت فقها، هم ولایت عام است که همه فقها به آن باور دارند و هم ولایت مطلقه است که نیابت فقها در تاسیس حکومت را در بر می گیرد. لذا اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای یک اندیشه کنشی بوده است و در نتیجه دارای برنامه و روش مند است. اندیشه آیت الله لاری به اجرای احکام اسلام با وجود سلطنت رضایت می دهد. هر دو اندیشه را منبعت از احکام اسلام و فقه سیاسی شیعه بوده که برای حکومت شرط قائل شده و حکومت را مشروطه می دانند، اما دایره گستردگی این دو اندیشه، متفاوت است. مفهوم ولایت فقیه در اندیشه آیت الله خامنه ای، محور مرکزی می باشد که بقیه مفاهیم حول محور آن قرار دارند و مفهوم مرکزی در اندیشه آیت الله لاری تنها اجرای احکام اسلام است و مفاهیم دیگر حول این محور، می گردند. در اندیشه آیت الله لاری، همین که احکام اسلام توسط سلطنت اجرا شود، کفایت می کند، اما برای آیت الله خامنه ای، با تداوم اجرای احکام حکومت باید در اختیار کسی باشد که اسلام به وی جواز داده که همان فقیه جامع الشرایط است. در هر دو اندیشه حکومت اصلی از آن خداوند است و آیت الله خامنه ای برای روحانیت، نقش بسیار قائل شده است، چرا که این فقها باید برای تاسیس حکومت اسلامی قیام کنند. فقیه جامع الشرایط و آگاه به مسائل زمان در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای به جز ولایت بر امور حسبیه، صاحب ولایت برای تشکیل حکومت بر مردم نیز هست. اما در اندیشه آیت الله لاری، فقط برای فقها نقش نظارتی

وجود دارد و درباره حدود اختیارات، آن را محدود به اجرای احکام اسلام کرده است، اما آیت الله خامنه ای در اختیارات حکومت از نظر آیت الله لاری هم فراتر می رود و با قرار دادن حکومت در اختیار فقیه به از نیابت پیامبر(ص) و امام (ع)، هر آنچه در اختیارات آنها متصور است را از اختیارات فقیه می داند. پس محدوده اختیارات در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای بسیار گسترده تر از محدوده اختیارات در اندیشه آیت الله لاری است. دو فقیه در استدلال درباره مفهوم مشروعیت، در اینکه مشروعیت برای حکومت تنها برای سلطان عرفی باشد و یا اینکه سلطان عرفی صاحب دستگاه جور تلقی شود و تنها به فقیه مجوز حکومت داده شود، اختلاف نظر دارند. آیت الله لاری از آنجا که به تاسیس حکومت نمی پردازد، بنابراین به مصلحت نیز نمی اندیشد و حتی مردم را برای مشروعیت دادن به حکومت صاحب حق نمی داند اما آیت الله خامنه ای قائل به ولایت مطلقه فقیه است و لذا در ایجاد مشروعیت برای حکومت فقیه کوشیده و در این رابطه از ادله نقلی و عقلی استفاده می کند تا با ثبوت مشروعیت ولایت، مشروعیت حکومت اسلامی را نیز به اثبات کند. دو فقیه در رابطه با قانون و قانون گذاری، بر این اعتقادند که تنها قانون برای اداره جامعه اسلامی، قانونی است که از سوی خدا آمده است، پس هر حکمی غیر از حکم خدا، ظلم است. آیت الله لاری در صورتی مجلس را می پذیرد که مصوبات آن برای برنامه ریزی امور مملکتی باشد و در اندیشه آیت الله خامنه ای قانون گذاری برای برنامه ریزی و سیاست گذاری است و در نهایت اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای که شکل نهایی آن به صورت ولایت مطلقه فقیه است بر خلاف اندیشه سیاسی آیت الله لاری که ولایت مقیده است توانست در قانون اساسی جمهوری اسلامی، به ستون اصلی نظام سیاسی اسلامی تبدیل شده و تداوم یابد.

منابع:

- آیت اللهی، سید محمد تقی (۱۳۶۳)، **ولایت فقیه**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اشرفی، اکبر (۱۳۹۵)، **ولایت مطلقه فقیه در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای**، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲۱، سال ششم.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۹۴)، **مجموعه سخنرانی ها و بیانات**.
<http://www.leader.ir>
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۰)، **چالش با سیطره غرب گرایی، نظریه انتقادی شیخ فضل الله نوری درباره مشروطیت سکون**، دوماهنامه کیهان ورزشی، فروردین و اردیبهشت.
- حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۹۲)، **طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن**. تهران: صهبا.
- حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۷۸)، **هدیه الهی، مشخصه های حکومت اسلامی و ولایت فقیه**، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
- حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱)، **ولایت و حکومت**، تهران: صهبا.
- حسینی زاده، محمد علی (۱۳۸۶)، **اسلام سیاسی در ایران**، قم: دانشگاه مفید.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۸)، **ولایت فقیه**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و چاپ و نشر عروج.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۹)، **سنت و مدرنیته**، تهران: انتشارات روزنه.
- سعید، بابی (۱۳۷۹)، **هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام گرایی**، ترجمه غلامرضا جمشیدها و موسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شاهشوند بغدادی، پریچهره (۱۳۹۵)، **مقایسه اندیشه های شیخ فضل الله نوری و امام خمینی (ره) درباره حکومت**، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲۳، سال هفتم.
- علم الهدی، جمیله (۱۳۹۱)، **نظریه اسلامی تعلیم و تربیت**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- علیخانی، علی اکبر و دیگران (۱۳۸۳)، **اندیشه های متفکران مسلمان**، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- لاری، سید عبد الحسین (۱۳۲۵)، **قانون مشروطه مشروعه**، شیراز: مطبع محمدی.
- لاری، سید عبد الحسین (۱۳۷۷)، **رسائل سید لاری**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد اول.
- لاری، سید عبد الحسین (۱۳۱۴)، **آیات الظالمین**، شیراز: مطبع محمدی.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

- مزینانی، محمدصادق (۱۳۷۷)، ولایت مطلقه فقیه از دیدگاه امام خمینی (ره) و قرائت‌های گوناگون. حوزه بهار، شماره ۸۵ و ۸۶، ۶۲-۱۵.

- مقیمی، غلامحسین (۱۳۸۵)، مشروطیت، جمهوریت، اسلامیت، تهران: مضاگرا.
- منوچهری، عباس و دیگران (۱۳۹۴)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت، چاپ هفتم.

- وثوقی، محمد باقر (۱۳۸۳)، آیت الله لاری و جنبش مشروطه خواهی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.